

راهنمای زبان سنسکریت (دستور زبان، متن‌های گزیده، واژه‌نامه)،
محمدتقی راشد محصل، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات
فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۹، بیست + ۳۰۳ + یک صفحه، قطع وزیری،
۶۵۰۰ تومان.

هندی‌ها و ایرانیان روزگاری زیستگاه مشترکی داشتند. پس از جدایی از یکدیگر، فرهنگ و زبان هر قوم به گونه‌ای متفاوت دچار دگرگونی شد، اما ویژگی‌های مشترک فرهنگی و زبانی این دو قوم در دوران باستان، پژوهش‌های هندشناسی و ایران‌شناسی را به هم پیوند می‌دهد. این نکته، به‌ویژه در مورد مطالعات ایرانی، که به‌دلیل کمبود منابع نوشتاری دچار ابهام است، اهمیت فراوان دارد.

مطالعات هندشناسی، به‌صورت نظام‌یافته، در سال ۱۷۸۴ م. در «انجمن آسیایی بنگال»^۱ آغاز شد، اما در ایران، در چنددههٔ اخیر پژوهش‌های ارزنده‌ای در زمینهٔ فرهنگ و زبان هند باستان صورت گرفته است. با توجه به اهمیت این پژوهش‌ها، جا دارد که «هندشناسی»، به‌عنوان رشتهٔ مستقل علمی مورد توجه مراکز آموزشی و پژوهشی کشور قرار گیرد. کتاب «راهنمای زبان سنسکریت»، نخستین تألیف کامل استادی ایرانی دربارهٔ دستور زبان سنسکریت است. قصد مؤلف از تألیف این کتاب، ارائهٔ اثری است که هم جنبهٔ آموزشی داشته باشد و دانشجویان از آن استفاده کنند، و هم برخوردار از جامعیت باشد و پژوهشگران را به‌کار آید.

این کتاب، که در نوع خود نخستین است، دارای یک پیش‌گفتار، پنج گفتار و سه فهرست راهنماست. گفتار اول، کلیاتی دربارهٔ زبان و ادبیات سنسکریت است. گفتار دوم، به خط سنسکریت و آواشناسی می‌پردازد. در گفتار سوم، مبحث صرف مطرح می‌شود. گفتار چهارم، ویژگی‌های نحوی زبان سنسکریت را بیان می‌کند. در گفتار پنجم، متن‌هایی برای تمرین و آشنایی بیشتر خواننده با دستور زبان سنسکریت می‌آید و در پایان، فهرست اصطلاحات فارسی و معادل انگلیسی آن‌ها، فهرست برخی اصطلاحات فارسی و معادل سنسکریت آن‌ها و کتاب‌نامه قرار دارد.

1. Asiatic Society of Bengal

دکتر راشد محصل از برجسته‌ترین پژوهشگران فرهنگ و زبان‌های ایرانی هستند و در طول چند دهه فعالیت علمی، چندین کتاب و ده‌ها مقاله ارزشمند تألیف کرده‌اند. کتاب راهنمای زبان سنسکریت از آخرین آثار علمی ایشان است. کتاب شامل توضیحی مقدماتی، راهنمای نشانه‌ها و کوتاه‌نوشت‌ها، پیش‌گفتار، پنج گفتار و سه فهرست راهنماست. متن اصلی، در بندهایی با شماره‌های پی‌درپی، آمده است.

در صفحه‌های یازده تا سیزده نویسنده به‌اختصار، بخش‌های کتاب را معرفی کرده و چگونگی بهره‌گیری از برخی منابع را توضیح داده‌اند.

پیش‌گفتار: در صفحه‌های هفده تا نوزده، بندهای ۳-۱، توضیحات مختصری آمده است درباره جایگاه نخستین هندواروپایی‌ها، مهاجرت آن‌ها به اروپای کنونی و به ایران و هند و سپس جدایی دو قوم هندی و ایرانی از یک‌دیگر، باورها و تقسیمات اجتماعی آن‌ها و زبان هندواروپایی آغازین.

گفتار نخست (درآمد)، شامل دو فصل است: در فصل اول (کلیات)، (صفحه‌های ۶-۳، بندهای ۹-۴)، نویسنده به‌اختصار درباره گروه‌های ده‌گانه خانواده زبان‌های هندواروپایی و جدایش دو شاخه هندی و ایرانی از گروه زبانی «هندوایرانی» توضیح می‌دهد. سپس تقسیم‌بندی زبانی و کلی از ادبیات هند باستان ارائه می‌شود. هندی‌های باستان زبان کهن خود را سنسکریت^۱ می‌نامیدند. این زبان از نظر تفاوت‌های آواشناختی، صرفی، نحوی و واژگانی به دو گونه سنسکریت ودایی و سنسکریت باستانی / کهن تقسیم می‌شود و زبان /وپه نیشد^۲ها مرحله میانی آن دو است.

فصل دوم (ادبیات سنسکریت)، (صفحه‌های ۱۴-۷، بندهای ۲۴-۱۰)، ادامه فصل اول است. در این فصل محتوای متون سنسکریت توضیح داده شده، و در بند آخر اشاره‌ای مختصر به تاریخچه دست‌نویسی سنسکریت شده است.

گفتار دوم (آواشناسی)، نیز شامل دو فصل است: در فصل اول (خط سنسکریت، پیشینه و ویژگی‌های آن)، (صفحه‌های ۲۷-۱۷، بندهای ۳۳-۲۵)، پیشینه خط سنسکریت و چگونگی شکل‌گیری آن به‌اختصار توضیح داده شده است، و الفبای خط سنسکریت، دوناگری^۳، به‌صورت

1. saṃskṛta-
2. upaniṣad-
3. devanāgarī-

راهنمای زبان سانسکریت

جدول آمده است. الفبای دوناگری هجایی است و از چپ به راست نوشته می‌شود، دارای ۴۸ نویسه است و از پیوستن نویسه‌ها به یکدیگر، صورت‌های ترکیبی بسیاری ایجاد می‌شود. در این فصل واج‌های زبان سانسکریت و فراگویی‌شان، با ذکر منشأ هندواروپایی آن‌ها، توصیف می‌شود. زبان سانسکریت دارای ۲۹ همخوان، ۴ نیم‌واکه و ۱۳ واکه است. به مبحث‌های تکیه و گردش واکه‌ها، که از ویژگی‌های همهٔ زبان‌های کهن هندواروپایی است، نیز در این فصل پرداخته شده است.

در فصل دوم (هم‌نهادها)، (صفحه‌های ۳۵-۲۸، بندهای ۳۶-۳۴)، یکی از ویژگی‌های زبان سانسکریت، با ذکر مثال، توضیح داده می‌شود: در زبان سانسکریت، واج پایانی واژه در جمله، و واج پایانی واژه‌ای که جزء نخست ترکیب است، در مواقعی تغییر می‌یابد. آگاهی از قوانین این تغییر برای یادگیری زبان ضروری است. بند پایانی این فصل، تشریح دو قانون مهم در واج‌شناسی، یعنی «قانون بارتولومه»^۱ یا «قانون دمیده‌ها» و «قانون گراسمن»^۲ یا «قانون ناهمگونی دمیده‌ها» است.

گفتار سوم (صرف)، شامل پنج فصل است: در فصل اول (صرف اسم و صفت)، (صفحه‌های ۶۵-۳۹، بندهای ۶۴-۳۷)، صرف اسم‌ها و صفت‌ها به صورت جدول و با ذکر مثال آمده، و نکته‌های صرفی توضیح داده شده‌اند. در مقولهٔ اسم، سه جنس مذکر، مؤنث و خنثی، سه شمار مفرد، مثنی و جمع، و هشت حالت نهادی، آیی، رایبی، بایی، برایی، ازی، وابستگی و دری مطرح شده‌اند. صرف اسم، به دو گروهٔ مختوم به واکه و همخوان تقسیم شده، و در هر گروه، بسته به واج پایانی، صرف‌های گوناگونی آورده شده‌اند. در مقولهٔ صفت، تأنیث و سنجش صفت‌ها (صفت برتر و برترین)، توضیح داده شده است. صفت از خود استقلال ندارد و از نظر جنس، شمار و حالت صرفی، تابع موصوف است.

در فصل دوم (ضمایر)، (صفحه‌های ۷۲-۶۶، بندهای ۷۴-۶۵)، صرف ضمایر شخصی، اشاره، موصول، پرسشی و ملکی آمده است. دربارهٔ ضمایر شخصی، هفت حالت صرفی (حالت آیی در صرف ضمایر از میان رفته است)، سه شمار و سه شخص، و صورت‌های غیرپیوسته، پیوسته و ترکیبی (در جزء اول ترکیب) مطرح شده‌اند. صورت‌های گوناگون ضمیر اشاره در چهار ستاک (بن، ماده)، طبقه‌بندی شده‌اند، دربارهٔ ضمیر پرسشی، به کاربرد آن به‌عنوان ضمیر

1. Bartholomae
2. Grassmann

مبهم اشاره شده است. در پایان، صفت‌هایی که صرف ضمیری یا ضمیری و اسمی دارند، و اسم‌هایی که مانند ضمیر صرف می‌شوند، معرفی شده‌اند.

در فصل سوم (عدد)، (صفحه‌های ۷۷-۷۳، بندهای ۸۵-۷۵)، عددهای اصلی، با صورت‌های صرفی‌شان و مطابقت عدد و معدود، توضیح داده شده است. عددهای ترتیبی و قیدهای عددی نیز فهرست شده‌اند.

در فصل چهارم (فعل)، (صفحه‌های ۱۴۲-۷۸، بندهای ۱۴۶-۸۵)، که طولانی‌ترین فصل کتاب است، به ساخت و صورت‌های صرفی فعل، همراه با جدول، مثال‌های گوناگون و توضیح صورت‌های خاص پرداخته شده است. مبحث‌های فعل عبارتند از: ریشه، ستاک، دستگاه (مضارع، گذشته، نقلی، آینده)، زمان (مضارع، گذشته، نقلی، گذشته دور، آینده، استمراری)، وجه (اخباری، التزامی، انشایی، امری، تمنایی، اسنادی، دعایی، شرطی)، باب/جهت (گذرا، ناگذر، مجهول)، و شناسه‌های شخصی. ساخت‌های فعل ترکیبی (آینده، نقلی)، و صرف‌های فعلی اشتقاقی (مجهول، تشدید، آرزویی، سببی، جعلی/برساخته)، و همچنین ساخت و معنای اسم‌ها و صفت‌های مشتق فعلی (صفت فاعلی، صفت مفعولی، صفت الزامی، مصدر، اسم مصدر) در این فصل به‌طور کامل بررسی شده‌اند.

در فصل پنجم (ترکیب‌ها)، (صفحه‌های ۱۴۸-۱۴۳، بندهای ۱۴۹-۱۴۷)، ترکیب، به دو نوع فعلی و اسمی تقسیم شده است. در ترکیب‌های فعلی، مهم‌ترین حرف‌های اضافه و چند قید و صفت، که با فعل ترکیب می‌شوند، توضیح داده شده‌اند. نویسندگان، ترکیب‌های اسمی را یکی از ویژگی‌های همه زبان‌های هندواروپایی دانسته، که در زبان سنسکریت کاربرد بیشتری دارد، و آن‌را به چهار نوع دوتایی، معرف‌های وابسته، ملکی و قیدی تقسیم کرده است. معرف‌های وابسته، دو گونه وابسته و وصفی را شامل می‌شوند. در هر مورد، مثال‌های متعددی آورده شده است. در بند پایانی این فصل، مبحث پسوند، که به دو گونه نخستین و دومین تقسیم شده، مطرح و مهم‌ترین آن‌ها برشمرده شده است.

گفتار چهارم (نحو)، (صفحه‌های ۱۶۶-۱۵۱، بندهای ۱۵۸-۱۵۰)، مبحث‌های نحوی شمار (مانند اسم جمع، کاربرد شمار مثنی)، مطابقت حالت‌ها، شخص‌ها، جنس‌ها و شمار، کاربردهای ضمائر شخصی، ضمائر اشاره، حالت‌های صرفی اسم، زمان و وجه‌ها در فعل، صرف‌های اشتقاقی فعلی و مشتقات فعلی (مصدر، صفت الزامی، اسم مصدر) را با ذکر مثال توضیح می‌دهد. بند پایانی به ساختار جمله پیرو پرداخته است.

راهنمای زبان سانسکریت

گفتار پنجم (متن‌های گزیده)، شامل سه فصل است: در فصل نخست (متن‌هایی برای تمرین صرف‌های گوناگون)، (صفحه‌های ۱۹۵-۱۷۱)، زیر پانزده بخش، که با حروف رومی مشخص و به بند یا بندهای مربوط ارجاع داده شده‌اند، جمله‌هایی برای تمرین صرف‌های اسم، ضمائر و اعداد، و فعل آمده است. نویسنده در زیر هریک از این جمله‌های کوتاه، معنای برخی از واژه‌ها، بن اسم و صفت، و ریشه فعل را آورده و چنانچه صورت آوایی یا صرفی واژه نکته‌ای خاص داشته، به بند مربوط ارجاع داده است. هدف از این تمرین‌ها، مسلط شدن خواننده به صورت‌های صرفی و تلاش برای دریافتن معنای جمله‌هاست.

در فصل دوم (متن‌ها)، (صفحه‌های ۲۵۴-۱۹۶)، دو متن، هریک در چهار بخش (الف، ب، پ، ت)، بررسی شده‌اند: متن نخست، سرودی ودایی، دارای شش بیت در وصف سوریه^۱، ایزد آسمانی آفتاب و یکی از سه ایزد بزرگ آیین ودایی است. در متن دوم، بخشی (شامل ۳۲ بیت) از داستان مشهور نله و دمَنیتی^۲، از مجموعه بزرگ مهابهارته^۳ انتخاب شده است. بررسی این متن‌ها چنین است که در بخش اول، متن به خط دوناگری آمده است (در مورد سرود ودایی، هم به گونه ترکیبی و هم به گونه تقطیع شده). بخش دوم، آوانویسی متن است. بخش سوم، ترجمه فارسی است و بخش چهارم، به بررسی واژه‌ها پرداخته است. در برابر هر واژه، صورت غیرترکیبی، مقوله، ویژگی‌های صرفی، ستاک (در مورد فعل، ریشه)، معنای آن و در صورت لزوم، توضیحات مختصر ریشه‌شناختی داده شده است. همچنین، برای آن‌که دانشجویان بتوانند واژه‌های سانسکریت را با زبان اوستایی تطبیق دهند، برابر اوستایی واژه (در صورت وجود) نیز ذکر شده است. برای آگاهی بیشتر خوانندگان، منابع نیز ذکر شده‌اند.

در فصل سوم (بخش دوم داستان نله)، (صفحه‌های ۲۸۹-۲۵۵)، بخش دیگری از داستان نله و دمَنیتی، در چهار بخش، بررسی شده است: در سه بخش نخست، مانند فصل گذشته عمل شده است. در بخش چهارم، واژه‌های بخش دوم داستان به ترتیب الفبایی لاتین آورده شده‌اند، و مانند فصل گذشته، توضیحات لازم آمده است. برای راهنمایی بیشتر خوانندگان، شماره بیت یا بیت‌هایی که واژه در آن (ها) به کار رفته، نیز ذکر شده است. تدوین واژه‌نامه برای این متن، دانشجویان را با شیوه جستجو در واژه‌نامه‌ها آشنا می‌کند.

1. sūrya-
2. nala-, damayanti-
3. mahābhārata-

در انتهای کتاب (فهرست‌ها) (صفحه‌های ۳۰۳-۲۹۳)، قرار گرفته‌اند. فهرست اصطلاحات فارسی و معادل انگلیسی آن‌ها، فهرست برخی اصطلاحات فارسی و معادل سنسکریت آن‌ها، و کتاب‌نامه به فارسی و به زبان‌های دیگر.

این کتاب ارزش‌های علمی بسیاری دارد که در حد توان، به چند مورد آن اشاره می‌شود: مطالب دستوری، بسیار منظم، با طرح جدول و با ذکر جزئیات لازم بیان شده است. از این رو، مطالعه این اثر هم برای اهل فن مفید است و هم روند یادگیری دانشجویان را آسان می‌کند. یکی از ویژگی‌های برجسته این اثر، پرداختن به دو گونه زبانی سنسکریت ودایی و کهن است. پس خواننده می‌تواند این دو گونه را به آسانی مقایسه کرده، تفاوت‌ها را دریابد. از دیگر ویژگی‌های بارز این اثر، که نشان از عالمانه بودن آن دارد، این است که نویسنده با مطالعه و بررسی چند منبع معتبر و مرجع، بدون استناد به منابع فرعی، و با تکیه بر دانش و اندیشه خود، مطالب کتاب را تدوین کرده است. از دیگر نکات قابل توجه اثر، این است که نویسنده، اصطلاحات زبانی معمول و مرسوم را، که هم دانشجویان با آن‌ها آشنا هستند و هم اهل فن آن‌ها را پذیرفته‌اند، به کار برده‌اند. مطالب کتاب، به صورت بندبند، با شماره‌های پی‌درپی آمده است. این ویژگی، ارجاع داخلی، و استفاده از اثر را بسیار آسان کرده است.

در گفتار پنجم، فصل‌های دوم و سوم، در ترجمه فارسی متون، روشی میانه اتخاذ شده است، که هم جنبه آموزشی دارد و هم مقبول اهل فن واقع می‌شود. با این که در برگردان‌ها، در اکثر موارد، ساخت زبان مبدأ رعایت، و ویژگی‌های صرفی واژه‌ها منعکس شده است، اما برای خواننده فارسی‌زبان، مبهم و گنگ نمی‌نماید. در مواردی که برگردان تحت‌اللفظی، فهم متن را دشوار ساخته، و یا ابهامی ایجاد می‌کرده، نویسنده، متن را مطابق با ساخت زبان فارسی ترجمه کرده است. مانند صفحه ۲۱۸، ترجمه بند ۲۰: «... تو نباید مرا بکشی!» که ترجمه تحت‌اللفظی آن: «... کشتنی نیستم به وسیله تو»، برای فارسی‌زبانان خالی از ابهام نیست.

تنها خُرده‌ای که می‌توان بر این اثر ارزشمند گرفت، وجود خطاهای نه‌چندان کم ویرایشی و تایپی است، که امید می‌رود در چاپ‌های بعدی برطرف گردد.

مهدی علایی

دانشگاه شهید باهنر کرمان